

بررسی و تحلیل عوامل اصلی جابجایی پایتختها با تأکید
بر انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه
دکتر زهرا احمدی پور^۱ و علی ولی قلی زاده^۲

چکیده

پایتخت به عنوان مرکز اقتدار سیاسی و تکیه‌گاه دولت، معمولاً در برگیرنده کلیه عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی است. یک پایتخت با توجه به کارکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن، در واقع به عنوان سمبل کارایی و ظرفیت کلیه پتانسیل‌های وجودی دولت مربوطه عمل می‌کند. در جغرافیای سیاسی، اگر به عوامل سرزمین، دولت و ملت به عنوان سه رکن بنیادین کشور نگریسته می‌شود، بدون تردید، پایتخت نیز به عنوان مرکز هدایت دولت و گرانگاه نیروی محرکه آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، زمانی که دولتی پایتخت خود را فاقد کارایی لازم در سیستم جغرافیای سیاسی کشور ببیند، سعی خواهد کرد تا با انتقال پایتخت به یک مکان جدید، این مشکل جغرافیای سیاسی کشور را برطرف سازد. انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت جمهوری ترکیه نیز به خاطر این بود که استانبول فاقد کارایی لازم برای بقا و تأمین سیستم مدیریتی ترکیه جدید در داخل جغرافیای سیاسی کشور و نظام ژئوپلیتیک جهانی بود. با این حال، در تغییر مکان پایتختها عوامل مختلفی می‌توانند تأثیرگذار باشند. در همین راستا، ضمن بررسی انتقال پایتخت ترکیه از استانبول به آنکارا، هدف اصلی این مقاله بررسی و شناسایی عوامل اصلی تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی پایتختها است.

کلیدواژگان: منطقه هسته، کانون سیاسی، پایتخت، انتقال پایتخت، آنکارا

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

بدون تردید، هر شهری با ویژگیها، شخصیت و هویت خاص خود در قبال شهرهای دیگر ویژگیهای متفاوتی را به تماشا می‌گذارد. اما، در این بین پایتخت نسبت به دیگر شهرها از ویژگیهای خیلی متفاوتی برخوردار است. «شکی نیست که پایتخت یک کشور هر شهری نمی‌تواند باشد. این شهر رهبری و مدیریت تمامی شهرهای کشور را بر عهده دارد. مهمترین مسائل اداری، سیاسی، تجاری، صنعتی و علمی در این شهر به چشم می‌خورد، بعلاوه تصمیمات اصلی در این شهر گرفته می‌شود یا اینکه این شهر به نحو قابل توجهی در فرایند تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارد.» (Tankut, ۱۹۹۰: ۹). در واقع، پایتخت مهمترین عنصر ساختار سیاسی فضا با کارکرد و هویت سیاسی- اداری و نیز کارکردهای اقتصادی- تجاری- فرهنگی می‌باشد. این واحد فضایی- سیاسی صرف‌نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای سیاسی- اداری و نیز اقتصادی- تجاری- فرهنگی آن، با توجه به اینکه کانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت مرکزی به حساب می‌آید و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیت ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۳).

بدیهی است که وجود یک پایتخت برای هر کشوری به‌عنوان گرانگه نیروی محرکه هستی‌بخش آن الزامی است. بنابراین، وجود هیچ کشوری را بدون پایتخت نمی‌توان فرض کرد. این در حالی است که بسیاری از دولتها بعد از به وجود آمدن، بنا به دلایلی خاص و به تبع آن برای تداوم حیات خود اقدام به انتقال پایتخت می‌کنند. در همین راستا، در یک قرن اخیر، از مهمترین نقل و انتقالات پایتخت می‌توان به انتقال پایتخت در کشور ترکیه از استانبول به آنکارا، در پاکستان از کراچی به اسلام‌آباد، در برزیل از ریودوژانیرو به برازیلیا و موارد مشابه آن اشاره کرد. به طور کلی، این مقاله با یک بحث نظری پیرامون مفهوم پایتخت، در صدد پاسخ دهی به این سؤال است که عوامل اصلی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در کشورهای دنیا چیست؟ در این بین، برای آزمون چند نمونه از دلایل ذکر شده سعی شده است تا موضوع انتقال پایتخت در ترکیه به‌عنوان یکی از موارد مهم و جدید در عرصه مکان‌گزینی پایتخت‌ها در جهان به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار بگیرد.

روش تحقیق

روش اصلی این مقاله، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری و فیش‌برداری از اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این مقاله سعی شده است، ضمن بررسی و مطالعه اهمیت پایتخت در جغرافیای سیاسی کشورها، بررسی فرایند انتقال پایتخت در ترکیه، مهمترین دلایل تأثیرگذار در فرایند انتقال و مکان‌گزینی پایتخت‌ها مورد بررسی قرار بگیرد.

ادبیات و مباحث نظری تحقیق

منطقه هسته: مناطق هسته‌ای به بخش‌هایی از سرزمین یک دولت اطلاق می‌شود که به دلیل سلطهٔ سیاسی، احساسات ملی‌گرایانه یا نقش رهبری اقتصادی [و یا برتری فرهنگی] بر سایر مناطق برتری داشته باشند (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). این مفهوم توسط درونت ویتلسی^۱ جغرافیدان آمریکایی ابداع شده است. ویتلسی منطقه هسته را چنین تعریف می‌کند: «ناحیه‌ای که کشور در درون یا پیرامون آن بوجود می‌آید» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۱۵). او منطقه هسته را بعنوان منطقه‌ای که کشور از آن متبلور شده و بعنوان یک منطقه مرکزی که همواره همبستگی را تقویت می‌کند، می‌شناسد. او بعضاً منطقه هسته را بعنوان پرجمعیت‌ترین بخش اکومن توضیح داده است. در این زمینه، دلیو. جی. ایست^۲ جغرافیدان انگلیسی از دیدگاه ویتلسی، منطقه هسته را منطقه‌ای میداند که پایتخت در آن قرار دارد و با توجه به جمعیت، منابع و نیروی سیاسی آن برای کشور از ارزش زیادی برخوردار است (Dikshit, ۱۹۹۵: ۷۸).

پایتخت: پایتخت به عنوان کانون سیاسی کشور، مرکز جاذبه و نفوذ یک فضای جغرافیایی است که دربردارندهٔ عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی است. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲). پایتخت شهری است که دارای بیشترین تعداد جمعیت و بزرگترین مراکز اقتصادی و فرهنگی است (بهفروز، ۱۳۸۰: ۱۹۷). و مهمتر از همه مرکز اقتدار سیاسی کشور به شمار می‌رود و معمولاً محل استقرار سران سه قوه (مجریه، مقننه، قضائیه)، اعضای آنها، کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و سفارتخانه‌های خارجی است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۳۸). در واقع این مکان مرکزیت جغرافیایی، هندسی، و یا کارکردی یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای انگیزشی مستقر در آن، عناصر و عوامل انسانی و کالبدی فضا و جریان‌ها و شبکه‌ها را به

^۱ . D. S Whittlesey

^۲ . W. G. East

سوی خود جذب می‌کند و از طرف دیگر نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمانها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مربوطه به شمار می‌رود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲).

نقش و کارکرد پایتختها در جغرافیای سیاسی و وزن ژئوپلیتیک: پایتخت قبل از هر چیزی مرکز کنترل سرزمین، و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مرکز نمادین یک دولت به شمار می‌رود (Taylor, ۱۹۸۹: ۱۴۷). بنابراین، این مکان در برگیرنده تشکیلات اجرایی مرکزی یک واحد سیاسی و معمولاً شامل دیگر سازمان‌های قضایی، قانونی، آموزشی و فرهنگی است (W. ۱۴۳: ۱۹۵۷, Weigert & Others). و نیز محل ملاقات نمایندگان دولت با نمایندگان دیگر دولتهاست. معمولاً سفرا و هیأت‌های دولتهای دوست در پایتخت استقرار می‌یابند. نمایندگی‌های بانک‌های خارجی و اتاق‌های بازرگانی، تا اندازه‌ای به خاطر تماس مستقیم و آسان با حکومت، دفاتر خود را در شهر پایتخت برپا می‌کنند (Pounds, ۱۹۶۳: ۱۸۷). این مکان از دو کارکرد ذاتی متفاوتی برخوردار است: الف) کارکرد جذبی و کششی؛ ب) کارکرد دفعی و پراکنشی؛ یعنی انسانها، جریانها، مواد و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و پدیده‌ها، فرمانها، دستورالعملها، عملیات کنترلی و نظارتی، تولیدات و غیره را در سطح فضای مربوط پخش می‌کند و فضا را به حوضه نفوذ و قلمرو اعمال اراده سیاسی خود تبدیل می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲). پایتختها، بنا به ساختار فرهنگی، تجاری و سیاسی خود کارکردهای متفاوتی را شامل می‌شوند (Özey, ۱۹۹۶: ۱۳۱). با این حال، ایجاد اتحاد و برقراری انسجام دولت، کارکرد اصلی یک پایتخت ملی است. در واقع شهر پایتخت، مرکزی است برای اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی که از تأثیرات ملی‌سازی برخوردارند (Cohen, ۱۹۶۴: ۱۶۸). در همین راستا، پایتخت تمرکز دهنده احساسات [و عواطف گروههای مختلف] بوده و پیوندهای موجود میان ملت‌ها را تقویت می‌کند. (Pounds, ۱۹۶۳: ۱۹۲). بنابراین، این مکان، معمولاً دارای ماهیت سیاسی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۳). علاوه بر این، پایتخت شهری است که به طور غالب بیشترین تعداد جمعیت و بزرگترین مراکز اقتصادی و فرهنگی را در خود جای داده است. این پایتختها معمولاً به عنوان «نخست شهرها» یا «اول شهرها»^۱ نامیده شده‌اند (به‌فروز، ۱۳۸۰: ۱۹۷). اما در موارد بسیار، بویژه در مورد دولتهای فدرال، اهمیت صنعتی و تجاری پایتخت، معمولاً کمتر از دیگر شهرها در کشورهای مشابه است. در چنین مواردی، فاکتورهای تأثیرگذار در گزینش مکان پایتخت، اغلب بجای آنکه اقتصادی باشند، سیاسی و یا استراتژیک هستند. این به

۱ . Primate Cities

معنی این است که پایتختها، همیشه نیازمند آنچه که جفرسون^۱ شهرهای نخستین نامیده است، نیستند (Dikshit, ۱۹۹۵: ۸۷-۸).

به طور کلی، برخی کانون‌های سیاسی همچون پاریس که استمرار تاریخی داشته‌اند، با تکیه بر اقتدار و قدمت خود، در شکل‌گیری ملت، دولت و انبساط جغرافیایی فضای دولت و استقرار سرحدات و مرزهای آن در بستر تاریخ مؤثر بوده‌اند. با این حال، کانون‌های سیاسی دیگر سابقه طولانی ندارند و انتخاب آنها، نتیجه اراده سیاسی نیروهای داخلی یا خارجی بوده است؛ پایتخت‌های جدید مثل اسلام‌آباد و برازیلیا که بر اساس مصالح ملی برگزیده شده‌اند یا پایتخت‌های کشورهای مستعمره که با در نظر گرفتن مصالح دولت استعمارگر گزینش شده‌اند، از این جمله‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۳). همچنین، در یک دولت فدرال با تنوعات گسترده داخلی، پایتخت، تنها مکانی است که می‌تواند همه مردم را کنترل نماید. غالباً در یک چنین دولتی، منطقه‌ای است که از بقیه کشور جداست و در آن کشور به صورت یک «منطقه فدرال» وجود دارد، طوری که هیچ کدام از نهادهای دولت فدرال به اندازه پایتخت ملی از نفوذ کافی برخوردار نیستند. برای مثال در کشور استرالیا کانبرا این نقش را به عهده دارد. بعلاوه، یک پایتخت باید، هم در جهت کنترل بخش‌های دور افتاده یا قسمت‌هایی که از ارتباط سستی با بقیه کشور برخوردارند و نیز برای دفاع از دولت در برابر نفوذهای نامطلوب خارجی منشأ قدرت و اقتدار دولت باشد. ولی این نقش پایتخت حالت نوسان دارد، با این وجود، بارها اتفاق افتاده است که پایتخت در قلب اقتصادی کشور واقع شده است، جایی که حجم گسترده‌ای از قدرت دولت از آن ناشی شده است (Glassner, ۲۰۰۴: ۱۰۳).

انتقال پایتخت: در واقع گزینش مکان برای تغییر پایتخت زمانی پدید می‌آید که دولت‌ها به دلایلی پایتخت فعلی را فاقد کاربرد لازمه دانسته و خود را ملزم به ترک آن نمایند. چنین ضرورتی ممکن است به دنبال دشواری‌های ژئوپلیتیک آن کشور و یا در نتیجه ضعف‌هایی در چشم‌انداز جغرافیای سیاسی آن به وجود آید (پیشگاهی فرد، ۱۳۷۱: ۴). بعلاوه انتقال پایتخت با تغییر ساختار دولت نیز ارتباط مستقیمی دارد (Atam, ۱۹۹۱). حتی، انتقال پایتخت، از جدیدترین روشها برای تشکیل دولت، ملت و هویت ملی است (Schatz, ۲۰۰۳: ۲). در واقع، پایتخت به هر دلیلی که انتقال یابد، هدف نهایی آن تشکیل یک دولت قدرتمند و یک ملت منسجم و پایدار در بطن فرایند کنترل سیاسی-اقتصادی-فرهنگی کشور است. این عمل، فرایندی است که در آن کانون سیاسی شاهد جابجایی در زمینه مکان و فضای جغرافیایی است.

۱ . Jefferson

این فرایند، حتی ممکن است باعث سلب تمام ویژگی‌های پایتخت سابق شده و حوزه جغرافیایی جدید را به عنوان هسته اصلی دولت مربوطه توسعه ببخشد. پایتخت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان، بارها در طول تاریخ شاهد فرایند جابجایی مکانی- فضایی بوده‌اند. معمولاً این عمل معلول عوامل چندی است، با این حال، نمی‌توان دلایل جابجایی پایتخت‌ها در گذشته را با امروز یکی دانست. با اینکه این عمل در گذشته به وفور دیده می‌شود، اما امروزه تنها در مواردی خاص اتفاق می‌افتد.

جدول ۱: آخرین موارد انتقال پایتختها در قرن بیستم

پایتخت قبلی	پایتخت فعلی	سال	عنوان
ریودوژانیرو	برازیلیا	۱۹۵۶	برزیل
ساینت لوئیس (سنگال)	نواکشوت	۱۹۵۷	موریتانی
کراچی	اسلام آباد	۱۹۵۹	پاکستان
مافکینگ	گابرون	۱۹۶۱	بوتسوانا
بنقازی	طرابلس	۱۹۶۳	لیبی
زومبا	لیلونگوی	۱۹۶۵	مالاوی
شهر بلیز	بلموپان	۱۹۷۰	بلیز
دارالسلام	دودومبا	۱۹۷۳	تانزانیا
لاگس	آبوجا	۱۹۷۵	نیجریه
آبیجان	یاموسوکرو	۱۹۸۳	ساحل آج
بن	برلین	۱۹۹۰	آلمان
آلماتی	آستانا	۱۹۹۷	قزاقستان
کوآلامپور	پوتراجایا	۲۰۰۰	مالزی

عوامل اصلی تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی و جابجایی پایتختها

قابلیت هسته‌ای: معمولاً در هر کشوری، منطقه هسته پایتخت ملی آن را در خود جای داده است. شهری که به طور غالب دارای بیشترین جمعیت و بیشترین تراکم کارکردهای اقتصادی- فرهنگی است. چنین پایتخت‌هایی را شهرهای نخستین نیز می‌نامند. مسکو، پاریس و مکزیکوسیتی همه جزء پایتخت‌های هسته‌ای بشمار می‌روند (جردن و راونتري، ۱۳۸۰: ۱۵۱). این مناطق با توجه به اینکه جزو مناطق استراتژیک هر کشور هستند، از وزن ژئوپلیتیک قابل توجهی در سیستم مربوطه برخوردارند، حلقه‌های اتصالی و نکات حیات‌بخش جغرافیای سیاسی کشور هستند، و نیز به عنوان اندام ارگانیک واحدهای سیاسی- جغرافیایی، در طول تاریخ به

عنوان عامل اصلی تشکیل هر دولتی به حساب می‌آیند، بنابراین جزو مهمترین دلایل در مکان‌گزینی پایتختها محسوب می‌شوند.

ارزش معنوی و نقش ایکونوگرافیک مکان: برخی پایتختها نقش خود را در طول تاریخ سیاسی کشورشان به دست آورده و با گذشت زمان به ایجاد یک گستره جامع از علائم ملی دست یافته‌اند و به این ترتیب، یک حق اختصاصی برای پایتخت بودن در اندیشه مردم پدید آورده‌اند؛ بهترین نمونه آن شهر لندن است. در همین راستا، با اینکه گاهی پیشنهادهایی درباره انتقال پایتخت به یک مکان مرکزی از نظر جغرافیایی یا منطقه‌ای داده می‌شود؛ ولی درک عمومی از لندن به منزله کانون تاریخی، ملی- فرهنگی و سیاسی آن قدر عمیق است که به نظر بعید می‌رسد چنین پیشنهادهایی جدی تلقی شود (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۱). در واقع، ارزشهای معنوی و ایکونوگرافیک بزرگترین عامل پیوند انسان با مکان جغرافیایی است. مکانهای جغرافیایی با توجه به ارزش معنوی آنها برای انسان و ارتباط عمیقی که بین مکانها و انسان برقرار می‌شود، نقش آنها در توجیه زندگی بشری، میزان اثرگذاری آنها در رفتار انسانها و قدرت جذب آنها در فرایند اتحاد و انسجام جوامع بشری، برای انسان از ارزش متفاوتی برخوردارند. در این بین، پایتختها به عنوان نماد کل کشور و نقش آنها در جهت بقا و اقتدار دولت و ملت، برای انسان از ارزش معنوی و ایکونوگرافیک ویژه‌ای برخوردارند.

گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت: در برخی کشورهای چند ملیتی، مانند روسیه پایتخت در مرکز جغرافیایی گروه ملی مسلط مکان‌گزینی شده است؛ در واقع، در این کشور مسکو در کانون ناسیونالیسم اسلاو بزرگ قرار دارد (Muir, ۱۹۷۵: ۳۲). و یا اینکه استانبول، اگر با آن سابقه تاریخی و عظمت دیرین نتوانست موقعیت پایتختی خود را برای همیشه حفظ کند؛ اولاً به خاطر این بود که در مرکز ترکیه قرار نداشت، و ثانیاً آنکارا محل اتکاء و تکیه‌گاه عظیم آتاتورک بود که از پشتیبانی وسیع مردم آن سامان نیرو می‌گرفت و به همین جهت این شهر مقر کمیته ملی و پایتخت کشور جوان ترکیه انتخاب شد (فرید، ۱۳۸۲: ۳۱۸). باندا^۱ رئیس‌جمهور مالایو نیز پایتخت کشور خود را دقیقاً در جهت تحکیم حکومت خود انتقال داد. وی بین میزان کارایی دولت و پایداری حکومت خود تفاوت اندکی قائل بود، بنابراین پایتخت را به یک منطقه محدود به زادگاه خود یعنی خواستگاه قومی‌اش انتقال داد (Schatz, ۲۰۰۳: ۹). در واقع، وجود پایتخت در مرکز گروه ملی مسلط، قدرت کارآیی و مانور دولت مرکزی را بالا می‌برد. البته این

۱. Banda

گزینش در کشورهای مختلف جهان، بویژه کشورهای چند ملیتی بیشتر باعث افزایش فاصله‌ها بین دولت مرکزی و دیگر گروه‌های قومی ساکن در حواشی کشور بوده است.

ارتباط خارجی: از نظر ژان گاتمن، در طول تاریخ و در هر نقطه‌ای از جهان، هر جا که شهرهای بزرگی وجود داشته و رشد کرده‌اند، هر کدام از آنها با بهره‌گیری از ظرفیتهای خود، سعی کرده تا مناسبات بازرگانی، سیاسی و فرهنگی و نیز دیگر روابط خود را تا حد امکان، با شمار زیادی از شهرهای بزرگ و کوچک و دور دست توسعه دهد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۷-۵۶). این امر در مورد شهرهای پایتختی، در مقایسه با شهرهای دیگر از عینیت جغرافیایی بیشتری برخوردار است. در برخی مواقع، ارتباط خارجی در سیاست دولت اهمیت ویژه‌ای دارد. در این بین، کشورهای استعمارگر به طور طبیعی علاقه‌مند بودند پایتختهای مستعمرات خود را در بندرهای عمده بنا کنند تا بتوانند به راحتی با کشورهای مادر ارتباط داشته باشند (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۲). بنابراین، پایتخت ممکن است به مرز نزدیکتر شود تا بدینوسیله در نزدیکی مسیرهای عمده مبادلات تجاری و فرهنگی قرار گیرد. در این زمینه، سن‌پترزبورگ که امروزه لنینگراد نامیده می‌شود و در گوشه شمال غربی روسیه قرار دارد، به مدت دو قرن (۱۷۰۴ تا ۱۹۱۸) به جای مسکو پایتخت روسیه بود، (چردن و راوتنری، ۱۳۸۰: ۱۵۱). این شهر، دریچه تازه‌ای در غرب روسیه باز کرد، [سن‌پترزبورگ] انتقالی سمبلیک بود که در آرزوی سزار برای ارتباط بیشتر با اروپای غربی ظهور یافت (Pounds, ۱۹۶۳: ۱۸۹). مهمترین مزیت این انتخاب برای یک کشور، خارج کردن فضای جغرافیای سیاسی کشور از انزوای ژئوپلیتیک است. این کار باعث ارتباطات و حضور فزاینده پایتخت کشور به عنوان نماینده کل سیستم جغرافیای سیاسی کشور در فراسوی مرزهای ملی است.

موقعیت استراتژیک و دفاعی: در موقعیتهای جغرافیایی و سیاسی ویژه، ممکن است که ملاحظات دفاعی- نظامی در مکان‌گزینی پایتخت نقش بسزایی داشته باشد. در واقع، انتقال پایتخت پاکستان از کراچی به اسلام آباد به خاطر اهمیت استراتژیک منطقه پنجاب و تدابیر دفاعی انجام پذیرفت. چرا که اسلام آباد در منطقه پنجاب (سرزمین رودخانه‌های پنجگانه)، به-عنوان هسته کشور پاکستان قرار دارد. و تقریباً در منطقه مرزی مورد مناقشه با هند واقع شده است (Glassner, ۲۰۰۴: ۱۰۳). همچنین، بوداپست جایی که دانوب توسط آخرین تنگه آن وارد دشت مرکزی می‌شود، یک نقطه دفاعی به شمار می‌رود. شایان ذکر است، پایتختهای مرزی نیز دارای دو نقش تدافعی و تهاجمی بوده‌اند. در همین راستا، وین^۱ از زمان تأسیس آن تا اواخر

۱ . Vienna

قرن ۱۷ یک پایتخت سرحدی- دفاعی^۱ بود که با نزول تهدید ترکها، ویژگی دسترسی مناسب به سه گذرگاه طبیعی: اتریش، بلغارستان و مجارستان را به دست گرفت (Cohen, ۱۹۶۴: ۱۶۹). البته ارزش استراتژیک یک پایتخت تنها به خاطر موقعیت دفاعی یا تهاجمی آن نیست. در حال حاضر ارزش استراتژیکی پایتخت بیشتر به خاطر موقعیت دروازه‌ای و ارتباطی آن است. این ارزش جغرافیایی و ژئوپلیتیک، نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز ارزش و اعتبار ویژه‌ای برای پایتخت فراهم می‌کند. برای مثال اعتبار جهانی لندن و پاریس تا اندازه‌ای به خاطر موقعیت ارتباطی آنها است. در حال حاضر، این دو شهر به عنوان پل ارتباطی اوراسیا با قاره آمریکا شناخته می‌شوند.

مصالحه سیاسی: برخی دولتها برای دوری از بروز اختلاف بین دو یا چند شهر رقیب که شرایط لازم را برای پایتخت شدن دارند، یک منطقه بی‌طرف را برای ایجاد پایتخت برگزیده‌اند. برای مثال کانبرا پایتخت استرالیا با یک جمعیت نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر، برای جلوگیری از رقابت بین دو شهر سیدنی (با ۲۷۸۰۰۰۰ نفر جمعیت) و ملبورن (با ۲۴۸۰۰۰۰ نفر جمعیت)، به عنوان پایتخت انتخاب شد. اتاوا نیز که از سال ۱۸۶۷ پایتخت کانادا است، در یک منطقه حد واسط بین دو حوزه نفوذی مردم انگلیسی و فرانسوی زبان واقع شده است و پیش از آن، جلسات پارلمان به طور متناوب در دو شهر تورنتو و کبک تشکیل می‌شد. شهر واشینگتن نیز در نتیجه توسعه و رشد یک مرکز کوچک بین حوزه فرهنگی شمال و جنوب به وجود آمده است. همچنین، در کشورهایی که وظایف پایتخت میان چند شهر مختلف تقسیم شده است از عامل مصالحه سیاسی استفاده شده است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۳-۱۴۲). این ویژگی، معمولاً در دولتهای فدرال دیده می‌شود و در دیگر دولتها وجود ندارد.

موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی: با توجه به اینکه یکی از نقشهای پایتختها ایجاد وحدت و یکپارچگی است، بنابراین بهترین اندیشه در مورد پایتختها موقعیت مرکزی است (Pounds, ۱۹۶۳: ۱۹۲). همه پایتختها، مرکزی یا غیر مرکزی، می‌خواهند که به اقصی نقاط کشور دسترسی آسانی داشته باشند. در همین راستا، پایتختها وقتی که در خارج از حوزه مرکزی دولتها قرار گرفته‌اند، غالباً از آنجا به یک موقعیت مرکزی‌تر انتقال یافته‌اند (Cohen, ۱۹۶۴: ۱۶۹). یعنی در صورت برابری سایر شرایط، هر چه مکان پایتخت به مرکز جغرافیایی کشور نزدیکتر باشد، اداره امور آسانتر است؛ زیرا فاصله میان پایتخت و مرزها به حداقل می‌رسد. و حضور دولت مرکزی در گوشه و کنار کشور سریعتر انجام می‌پذیرد (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۴). از طرفی، هر چه

۱ . Frontier-Defender

فاصله مردم از دولت مرکزی بیشتر باشد، احتمال پیروی آنها از دستورات دولتی کمتر خواهد بود (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۷). لازم به یادآوری است که پایتخت به عنوان کانون اداری، باید هم برای مردم و هم برای سرزمین مرکزیت داشته باشد و مکانی که از جهت دسترسی به مردم مرکزیت دارد، ممکن است با مرکز جغرافیایی منطبق نباشد، مانند استرالیا که بیشتر جمعیت این قاره در حواشی ساحل جنوبی آن متمرکز هستند (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۴). همچنین، وجود پایتخت در موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی، توزیع جغرافیایی جمعیت و ثروت کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، این موقعیت از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای ارزشهای ویژه‌ای است. ارزش اصلی این موقعیت، ویژگی محوری آن در پیوند دادن کلیه عناصر جغرافیای سیاسی و سازمان سیاسی فضای کشور است.

دسترسی به راههای ارتباطی و مواصلاتی داخلی: یک منطقه هسته به عنوان منطقه‌ای که قدرت سیاسی یک دولت در آن تمرکز یافته، به ابزارهایی نیاز دارد تا نفوذ خود را در دیگر قسمتهای سازه سیاسی بگستراند. در واقع، آن منطقه هسته به یک شبکه ارتباطی کاملاً توسعه یافته نیاز دارد. یعنی هسته سیاسی، تنها زمانی از قدرت نفوذ برخوردار است که از طریق ارتباطات کافی قادر به ارائه خدمات لازمه باشد. پاریس در فرانسه، مادرید در اسپانیا، و یا آنکارا در ترکیه در مرکز الگوی انشعابی راهها، راههای ریلی، تلگراف و خطوط تلفن واقع شده‌اند (W. Weigert & Others, ۱۹۵۷: ۱۵۷-۹). این مسئله به قدری مهم است که تحکیم و تثبیت جایگاه مرکزی در شبکه شهری و سکونتگاهی کشور نیز تنها در سایه برخورداری از یک شبکه ارتباطی و مواصلاتی پیشرفته و مجهز برخوردار خواهد بود. در واقع، عدم برخورداری از یک شبکه ارتباطی و مواصلاتی پیشرفته برای پایتخت، قدرت کنترل و اقتدار آن را در درون سازمان سیاسی فضا و شبکه شهری کشور کاهش می‌دهد.

تغییر در رویکردها و سیاستهای حکومت: گاهی پایتختها به خاطر تغییر در رویکردهای سیاسی حکومتها انتقال یافته است. چین به تبع سیاستهای جاری آن کشور، شش پایتخت عوض کرده است. پطر کبیر، تزار معروف روسیه برای نفوذ در اروپای شمالی، در ازاء قربانی انسانها، سن پترزبورگ بر کنار خلیج فنلاند را پایتخت روسیه اعلام نمود (فرید، ۱۳۸۲: ۳۱۹). برازیلیا پایتخت جدید برزیل نیز مثال جدید این نوع پایتختها است. قبلاً جمعیت برزیل در سواحل طولانی کشور متمرکز بود و ریودوژانیرو به‌عنوان یک شهر بندری معروف پایتخت آن بود. اما، رهبران برزیل منابع عظیم ثروت کشور را در داخل تشخیص دادند و سعی کردند تا وابستگی مردم را به سواحل از بین ببرند. از این رو، در نقطه‌ای در داخل کشور پایتخت جدیدی را بنا

کردند. در واقع، برازیلیا به منظور نهادینه کردن گرایش مردم و رهبران مبنی بر توسعه مناطق داخلی و قاره‌ای در داخل کشور ساخته شد (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

شرایط زیست محیطی منطقه: در حال حاضر با توجه به مشکلات عدیده زیست محیطی در شهرهای بزرگ جهان، و به ویژه پایتخت کشورها، یکی از مشغله‌های ذهنی سران حکومتی و مشکلات بزرگ بسیاری از کشورهای جهان سومی، عدم برخورداری پایتخت این کشورها از شرایط مساعد آب و هوایی و زیست محیطی است. برای مثال، موقعیت جغرافیایی تهران در پایکوه‌های البرز و پدیده وارونگی هوا در آن منطقه، یکی از مهمترین دلایل آلودگی هوای تهران به حساب می‌آید (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۲۳). بارزترین مثال در این زمینه، انتقال پایتخت در کشور بلیز است. نخستین پایتخت این کشور شهر بلیز بود. این شهر در سال ۱۹۶۱ در معرض طوفان معروف هتی قرار گرفت و ویران شد. در نتیجه این طوفان خسارات فراوانی به بار آمد که مهمتر از همه نابود شدن بسیاری از اسناد مهم دولتی بود. پس از این واقعه، تجربه نشان داد که باید نخستین شرط مکان‌گزینی پایتخت جدید مصونیت نسبی از خطر طوفان باشد و بدین ترتیب، شهرهای مهمی که همگی در کنار ساحل قرار داشتند خود به خود از سیاهه انتخاب به عنوان پایتخت خارج شدند. این امر مکان‌گزینی را برای دولت آسانتر کرد. سرانجام پس از پژوهشهای دامنه‌دار در سال ۱۹۷۰، پایتخت جدید در محل دهی به نام بلموپان که از جهات مختلف ارتباطی، مرکزیت، دسترسی به آب، آب و هوای مساعد و مصونیت نسبی از سیل و طوفان مناسب بود انتخاب شد (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۷-۱۴۶). در واقع، پایتختها با توجه به اینکه بزرگترین مراکز جذب جمعیت کشور هستند، و نماد کل کشور بشمار می‌روند، بنابراین این عامل بیشتر در جهت برخورداری پایتخت از یک چشم‌انداز فیزیکی مناسب برای تأمین رفاه حکومت و مردم و نیز جلب توجه آن در زمینه توریسم به انجام می‌رسد.

ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی: با توجه به اینکه مهمترین کارکرد پایتخت ملی ایجاد وحدت و انسجام ملی است، بنابراین در کشورهای چند ملیتی از بزرگترین دلایل انتقال پایتختها ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی بین مناطق متفاوت و متنوع فرهنگی است. برای مثال، تهران به دلیل حضور گروههای اجتماعی مختلف از سراسر کشور در ترکیب جمعیتی این شهر، در اثر مهاجرت و حرکت ساکنین شهرها و روستاهای مختلف کشور به سوی آن در طول یک قرن اخیر به شهر ملی ایران تبدیل شده است. این امر، امکان آشنایی، اختلاط و امتزاج خرده فرهنگهای ملی را در تهران فراهم آورده و هسته مرکزی وحدت ملی [ایرانیان] را در پایتخت پدید آورده است (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۲-۲۹۱). همچنین، انتقال پایتخت از

لاگوس^۱ به ابوجا^۲ در نیجریه تا حدی به خاطر این بود که ابوجا در حد وسط گروههای مسلمانان شمال و مسیحیان جنوب قرار داشت. بنابراین، این شهر از نظر جغرافیایی به راحتی می‌توانست خود را با هر دو طرف انطباق دهد، بدون اینکه طرفدار یکی از آنها باشد (Schatz, ۲۰۰۳: ۲).

مشکلات مدیریت بهینه پایتختها: گسترش وظایف دولت در چارچوب وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و استقرار مجالس ملی و سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای خارجی و نیز مراکز مهم فرماندهی، شرکت‌های بزرگ مالی و اقتصادی و بانکها، مؤسسات بزرگ فرهنگی و انتشاراتی، جاذبه‌های توریستی و صنایع لوکس در پایتختها از مهمترین علل رشد سریع این شهرهاست (فرید، ۱۳۸۲: ۳۲۰). این امر باعث شده تا پایتخت در اکثر کشورهای دنیا خود را به‌عنوان مرکز ثقل و جاذبه سیاسی، اقتصادی - تجاری، فرهنگی و به تبع آن مرکز ثقل جمعیتی آن کشور نشان دهد. بدیهی است که تراکم جمعیتی زیاد مشکلات عدیده‌ای به همراه دارد. کم جمعیت بودن پایتختها در دنیای جدید (مانند واشینگتن و کانبرا) و تنها وجود جمعیت اداری از مزایای زیادی برخوردار است. زندگی راحت و تأمین امنیت مدیران کشوری و نیز تصمیم‌گیری درست به هنگام وضع قوانین از مهمترین موارد آن به شمار می‌روند. به عبارتی قوانینی که محصول تصمیم‌گیریهای درستی هستند، از ثبات بیشتری برخوردار بوده و برای بقای کشور از اهمیت زیادی برخوردارند (Özey, ۱۹۹۶: ۱۳۲).

بنابراین، زمانی که پایتخت از فعالیتهای متنوع اقتصادی، مالی، سیاسی و اداری اشباع شود، مجبور می‌شود علیرغم خواسته خود بخشی از فعالیتهای خود را در اختیار شهر دیگری قرار بدهد. این چنین انتقال و واگذاری فعالیتهای تقسیم کار بین شهرهای واشینگتن و نیویورک، برن و زوریخ، دهلی جدید و کلکته صورت گرفته است (فرید، ۱۳۸۲: ۲ - ۳۲۱). در حال حاضر، تهران بارزترین نمونه این پایتختها است که از مشکلات گسترده مدیریتی برخوردار است. همین امر باعث شده است تا در مواردی مسئولین بلند پایه کشور به فکر تقسیم فعالیتهای پایتخت بین چند شهر و یا انتقال آن به یک مکان جدید و یا به یک شهر دیگری باشند. به طور کلی، این مسئله، مشکل همه کشورهای پایتختی است که از سیستم دولتی بسیط متمرکز برخوردارند. در واقع نظام متمرکز، علاوه بر مسائل مدیریت شهر پایتخت، کل مسائل مدیریت سیستم کشوری را نیز بر عهده پایتخت نهاده است.

۱ . Lagos

۲ . Abuja

مسائل امنیتی: پایتخت، در واقع مغز فعال دولت است. همچنانکه همه رشته‌های عصبی بدن انسان در مغز او جمع آمده‌اند، تمام واحدهای یک دولت نیز در پایتخت آن متمرکز هستند. رئیس دولت، مجلس، حکومت، وزرا و وزارتخانه‌ها، دیوان عالی کشوری، دیوان محاسبات، دادگستری و همه در پایتخت قرار دارند. پایتخت مرکز مدیریت، مقر اصلی، مغز فعال و قلب تپنده دولت به شمار می‌رود. همه قوانین در پایتخت به تصویب رسیده و همه تصمیمات دولتی در پایتخت گرفته می‌شود. بعلاوه همه فرمانها نیز از پایتخت صادر می‌شوند (ahmetakyol, ۲۰۰۷). در همین راستا، پایتخت در امن‌ترین قسمت کشور تشکیل می‌شود. حتی پایتختهایی که ابتدا در سواحل رودها و یا دریاها تشکیل یافته‌اند، بعدها به قسمتهای داخلی کشور منتقل شده‌اند. مثلاً، پایتخت روسیه در ابتدا شهر پترزبورگ در ساحل دریای بالتیک بود؛ این شهر بعدها به مسکو که در داخل کشور قرار داشت انتقال یافت. پایتخت هندوستان از کلکنه در ساحل دریا به دهلی نو در داخل کشور منتقل شد. همچنین، پایتخت پاکستان از کراچی به اسلام‌آباد، پایتخت برزیل از ریودوژانیرو به برازیلیا و پایتخت استرالیا از سیدنی به کانبرا انتقال داده شد. در واقع، در دوره‌های اخیر، پایتختهایی که ابتدا در سواحل دریاها تشکیل یافته‌اند، بعداً به خاطر مسائل امنیتی رها شده و پایتختهای جدیدی در داخل کشور تأسیس یافته است (ahmetakyol, ۲۰۰۷). به طور کلی، پایتختها در مکانهایی که بتوانند امنیت مردم را تأمین کنند تشکیل می‌شوند.

انتقال پایتخت در ترکیه

ترکها در طول تاریخ دولتهای زیادی تشکیل داده و به تبع آن پایتختهای مختلفی برگزیده‌اند. استانبول نیز یکی از آنهاست؛ این شهر با تاریخ طولانی، زیباییهای بی‌همتا و موقعیت ویژه آن در محل اتصال دو قاره آسیا و اروپا پایتخت امپراتوری‌های زیادی بوده است. در واقع، استانبول به عنوان مقر تخت عثمانی، مرکز پادشاهی، مرکز خلافت و مرکز حکومت عثمانی بود (ahmetakyol, ۲۰۰۷). این شهر در طول قرن‌ها شایستگی خود را به‌عنوان پایتخت و یا مرکز حکومت امپراتوری عثمانی نشان داد. این شهر کاملاً در مرکز دولت یعنی در موقعیت مکان مرکزی و مرکزیت جغرافیایی دولت عثمانی قرار گرفته بود. طوریکه در شرق آن آناتولی، در غرب آن سرزمین‌های رومی واقع شده بود. یعنی در یک طرف دولت سرزمین‌های آسیایی و در طرف مقابل آن سرزمین‌های اروپایی قرار قرار داشت. نقش استانبول پایتخت عثمانی به‌عنوان یک منطقه هسته در توسعه امپراتوری عثمانی کاملاً آشکار است. در واقع، این مکان، با توجه به موقعیت مکان مرکزی آن، ارزش‌های ایکونوگرافیک

فوق‌العاده قدرتمند آن به‌عنوان یک شهر مقدس در نزد مسیحیان (این عامل به شهر استانبول اهمیت استراتژیکی ویژه‌ای بخشیده بود)، موقعیت ویژه ارتباطی آن بر سر راه‌های تجاری شرق-غرب (ارتباط خارجی)، دسترسی آن به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی، ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی (بخش قابل توجهی از جمعیت استانبول یونانی بودند) و موقعیت استراتژیکی و کنترلی آن، تکیه‌گاه ژئوپلیتیک و منشأ قدرت دولت عثمانی بود. این منطقه با توجه به موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی آن در تزریق و بسط قدرت دولت عثمانی و مانور مدیریتی آن در جغرافیای سیاسی کشور به‌عنوان مغز فعال و قلب تپنده دولت عثمانی عمل می‌کرد. بنابراین، از دیدگاه جغرافیای سیاسی، استانبول یک پایتخت شبکه-محور بوده است؛ این پایتخت‌ها علاوه بر سیادت آنها بر سیستم فضایی-سیاسی کشور، با توجه به نقش آنها در تمرکزدهی و پیوند دادن جریان حیاتی دولت به مرکز شبکه، ارتباط مستقیم آنها با شهرهای بزرگ جهان و در این فرایند، ضمن تأثیرگذاری و تأثیرپذیر بودن از آنها، تحت تأثیر قرار دادن کل سیستم داخلی کشور و نیز بدلیل جایگاه ویژه آنها در سیستم و شبکه شهری کشوری، به صورت مغز فعال و قلب تپنده دولت عمل می‌کنند.

علیرغم این، با گذشت زمان تعادل ژئوپلیتیک امپراتوری عثمانی به هم خورد. سرزمین‌های اروپایی دولت عثمانی در معرض حملات متوالی قرار گرفت و کم‌کم از بدنه اصلی دولت جدا شدند. مرزهای دولت عثمانی از میانه‌های اروپا تا منطقه بالکان عقب نشست و وقت آن رسید که شهر استانبول با موقعیت مکان مرکزی خود در درون سرزمین‌های امپراتوری عثمانی، این بار در منطقه حاشیه‌ای کشور عثمانی قرار گرفت و در هر حالت به یک شهر مرزی تبدیل گشت (atam, ۱۹۹۱). در واقع، تا وقتی که دولت عثمانی قدرتمند بود مسئله خاصی وجود نداشت. اما با شروع جنگ‌های متوالی که هدف از این جنگ‌ها نابودی دولت عثمانی بود، استانبول از خشکی و دریا در معرض تهدید قرار گرفت. بدین ترتیب، پایتختی که وجود آن به‌عنوان امن‌ترین قسمت یک کشور ضروری است، به نام‌ترین شهر کشور تبدیل گشت (ahmetakyol, ۲۰۰۷). تا آن زمان استانبول تنها از طرف تنگه‌ها در معرض خطر بود. اما حالا تهدید از خشکی نیز به آن اضافه شده بود. به طور کلی، منطقه‌ای که از سه طرف در معرض تهدید باشد، هیچ پایتختی در آن تشکیل نمی‌شود. بنابراین، در حالی که پایتخت، معمولاً به‌عنوان آخرین نقطه از یک کشور به تصرف دشمن در می‌آید، استانبول بر خلاف آن در ابتدای کار مورد اشغال واقع شد. یعنی پایتختی که رهبری آن برای کشور ضروری است خود به زیر سلطه دشمن درآمد.

بنابراین، دلیل اصلی انتقال پایتخت ترکیه این بود که این شهر دیگر در یک موقعیت مرکزی قدرتمند برای ترکیه قرار نداشت. حتی، بعد از اینکه ترکیه بخش‌های اروپایی خود را از دست داد،

موقعیت ارتباطی استانبول نیز اهمیت سابق خود را از دست داد. همچنین، این شهر مرکز تجمع همه ملت‌های امپراتوری عثمانی بود و یک بازوی بسیار قدرتمند یونانی به حساب می‌آمد. بنابراین، این ترکیب جمعیتی باعث شده بود که استانبول شایستگی خود را به عنوان هسته دولت ملی ترک از دست بدهد (W. Weigert & Others, ۱۹۵۷: ۱۴۴-۵).

بنابراین، در ۲۷ دسامبر ۱۹۱۹ با ورود هیأت دولت به آنکارا، این شهر به قرارگاه اصلی مبارزه ملی ترکها تبدیل شد. در واقع، در ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ با گشایش مجلس ملی ترکیه در آنکارا، دولت جدید ترک پایه‌گذاری شد. بنابراین، در حالیکه جنگ کورتولوش^۱ (رهایی) نیز از این شهر هدایت می‌شد، آنکارا عملاً موقعیت و جایگاه پایتخت را به دست آورد. اما به محض اینکه نظامیان دول ائتلاف بعد از امضای عهدنامه لوزان از استانبول خارج شدند، با اتمام اشغال استانبول، بحث‌ها در مورد اینکه پایتخت دولت جدید کجا باشد، بالا گرفت. بعضی‌ها خواهان آن بودند که استانبول دوباره به عنوان پایتخت انتخاب شود. با این حال، با گشایش مجلس در آنکارا، این شهر به طور عملی هویت و ماهیت مرکز حکومت ترکیه را به دست آورده بود. بعلاوه، آنکارا در مرکز ترکیه قرار داشت و بلحاظ ویژگی‌های نظامی و جغرافیایی از قابلیت پایتخت بودن برخوردار بود. بدین ترتیب، عصمت پاشا (اینونو)^۲ با تهیه یک لایحه قانونی مبنی بر اینکه "پایتخت دولت ترکیه آنکارا است." آن را تقدیم ریاست مجلس ملی ترکیه نمود. (www.gulnar.gov.tr). در همین راستا، در ۱۳ دسامبر ۱۹۲۳ آنکارا رسماً به عنوان پایتخت ترکیه جدید انتخاب شد. بعد از آن تاریخ، آنکارا پایتخت دولت ترکیه است و در قانون اساسی دولت ترکیه نیز به عنوان پایتخت آن به ثبت رسیده است. در این زمینه، عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه در پیام خود به مناسبت هشتاد و چهارمین سالگرد انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه برای مردم کشورش چنین می‌گوید: "آنکارا به عنوان محل عبور و تقاطع تمدن‌های سرزمین آناتولی، با نقشی که در جنگ کورتولوش به رهبری آتاتورک بر عهده داشت، در واقع جایگاه یک مرکز ملی را به دست آورده بود. این شهر در مسیر مبارزه برای استقلال، نقش تاریخی آن در هدایت جنگ بدلیل پایتخت بودن آن بود. بدون تردید، انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت جمهوری ترکیه، به اندازه انتخاب آن به عنوان مرکز هدایت جنگ کورتولوش (رهایی) مثبت و یک انتخاب آینده‌نگری بوده است. این انتخاب مقدمه‌ای برای تشکیل جمهوری جدید ترکیه با استقلال ملی آن بشمار می‌رود" (cafesiyaset, ۲۰۰۷).

۱ . Kurtuluş Savaşı

۲ . İsmet Paşa (İnönü)

در ضمن، انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت از مزیت‌های دیگری نیز برخوردار بود. با این انتخاب وزنه اصلی و کانون مرکزی دولت ترک از استانبول به آناتولی انتقال یافت. با توجه به این که قسمت عمده‌ای از سرزمین مادر در آناتولی قرار داشت، بیشتر توجهات دولت جدید ترک نیز متوجه آناتولی بود. بنابراین، انتقال پایتخت از استانبول به آنکارا، نشانه تغییرات گسترده و عمیقی در سیاست دولتی ترکیه بوده است (atam, ۱۹۹۱). همچنین، آنکارا در مرکز آناتولی، و نسبت به جبهه‌های نبرد در یک فاصله تقریباً مساوی قرار داشت. بنابراین، اداره کردن جنگ و امور اطلاع‌رسانی نیز به راحتی از آنکارا قابل اجرا بود (dersimiz, ۲۰۰۷). به اعتقاد گولتس پاشا^۱ استانبول به خاطر بر اینکه هم از جانب خشکی و هم دریا در معرض تهدید بود، دفاع و تأمین امنیت این شهر نیروی نظامی فوق‌العاده زیادی می‌طلبد. در همین راستا، وی با اشاره به اینکه در صورت باقی ماندن حکومت در استانبول، ارتباط با اراضی آسیایی دولت به راحتی و به طور کامل مقدور نخواهد بود، خواستار انتقال پایتخت به یک مکان دیگری بود (atam, ۱۹۹۱). علاوه بر این، آنکارا زمانی که به عنوان پایتخت ترکیه انتخاب شد، حامل بسیاری از عوامل محوری برای توسعه یک هسته جدید بود؛ این شهر تقریباً در مرکز دولت و در یک منطقه‌ای با جمعیت خالص ترک قرار داشت. همچنین نقش‌های حکومتی به آن سپرده شده بود، و تا اندازه‌ای برخی از صنایع در آن مستقر و راه‌آهن و ارتباطات زمینی در تمام جهات آن برقرار بود (W. Weigert & Others, ۱۹۵۷: ۱۴۵).

شایان ذکر است، هنگامی که آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه جدید انتخاب شد، دولت جدید ترکیه بعد از فروپاشی امپراتوری قدرتمند عثمانی، در دوره جنینی و ابتدایی تثبیت قدرت خود با مشکلات عدیده‌ای در زمینه برقراری وحدت و انسجام فضایی- فرهنگی کشور نیز همراه بود که از مهمترین آنها می‌توان به حرکت‌های جدایی‌طلبی یونانی‌های ساکن غرب ترکیه، کردهای ساکن در مناطق جنوب شرقی ترکیه و نیز آرامنه ساکن در منطقه شرقی ترکیه اشاره کرد. این در حالی است که پیوستگی فضایی- فرهنگی و به تعبیری، عقبه ژئوپلیتیک مناطق فوق با فضای بیرونی، بزرگترین مشکل جغرافیای سیاسی این کشور نوپا محسوب می‌شد. بنابراین، با توجه به اینکه یکی از یکی از مهمترین دلایل مکان‌گزینی پایتخت‌ها ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل ویژه بر تفاوت‌های فرهنگی برای ایجاد یک دولت منسجم و یکپارچه می‌باشد، بنابراین، انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه جدید در مرکز ثقل جغرافیایی مناطق فوق می‌توانست ضمن کنترل فرهنگی این مناطق، ضامن بقا و تثبیت قدرت نوپا در این کشور باشد. در حال حاضر نیز، این

۱ . Goltz Paşa

ویژگی پایتخت ترکیه، در کنترل حرکت‌های جدایی‌طلبی کردها و حتی توسعه چتر نفوذ و کنترل آن بر مناطق کردنشین شمال عراق یک امر بدیهی بشمار می‌رود.

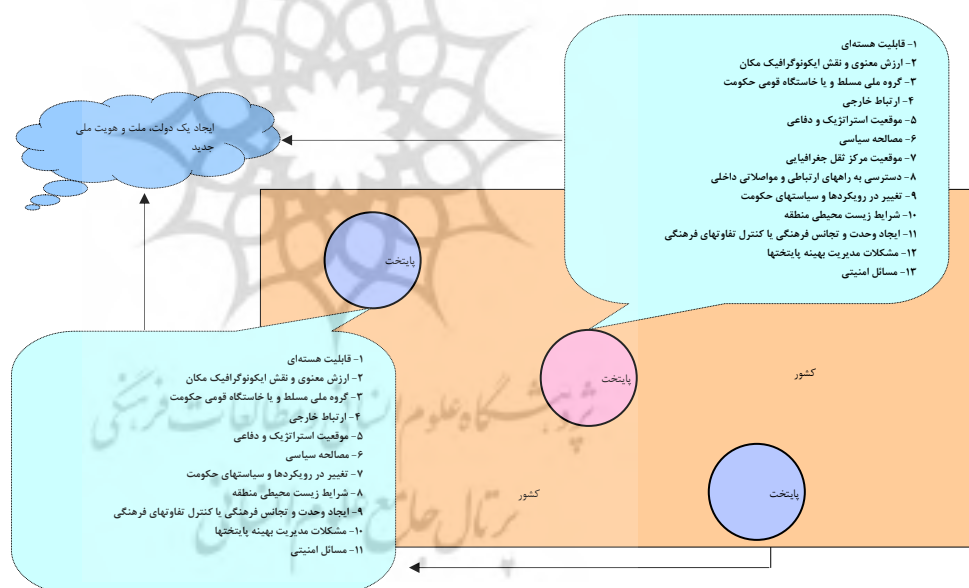
در ضمن، با توجه به اینکه ضرورت مدل سیاسی جدید جمهوری ترکیه، هم رنگ شدن با دنیای مدرن بود، بنابراین انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه ماهیت استراتژیک و سیاسی نیز داشت. «... تشکیل یک پایتخت جدید در فرایند اتحاد ملی از یک مفهوم نمادین برخوردار است. بعلاوه، انتظار می‌رفت که آنکارا به عنوان پایتخت جدید، چشم‌اندازی مدرن و تازه که فراخور دنیای معاصر باشد فراهم آورد. در واقع، آنکارا، مرکز دولتی بود که در جهت پیوستن به یک دنیای عقل-گرایانه بوجود آمده بود. در همین راستا، نماد بودن این شهر تنها چیز مد نظر نبود، بلکه برخورداری و اجرایی نمودن تمامی ایده‌ها و انتظارات دنیای مدرن و به نمایش گذاردن ساختار یک زندگی مناسب و درخور آن، چیزی بود که برای آنکارا برنامه‌ریزی شده بود (Tankut, ۱۹۹۰: ۹). بنابراین، توسعه و پیشرفت آنکارا برای دیگر شهرهای آناتولی الگویی بسیار بزرگی بشمار می‌رود. آنکارا در توسعه و نشر شهرگرایی معاصر در آناتولی پیش‌قدم بوده است. در واقع، بعد از انتخاب این شهر به عنوان پایتخت، در آن سوی آناتولی نیز شاهد یک پیشرفت ناگهانی هستیم. در آناتولی شهرگرایی و یا شهر نشینی به مفهوم جدید آن بعد از انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه توسعه یافته است. همچنین، این شهر به لحاظ فرهنگی و اقتصادی نیز نمادی برای رشد و توسعه دیگر شهرهای ماورای آنکارا بوده است (atam, ۱۹۹۱). در واقع، انتخاب این شهر به عنوان پایتخت ترکیه جدید، کاملاً با ویژگی‌های پایتخت‌های شبکه-محور^۱ و پیشتاز^۲ هماهنگی دارد. به طور کلی، این پایتخت‌ها در جهت پرکردن خلأ حضور و یا خلأ ژئوپلیتیک موجود در داخل سیستم جغرافیای سیاسی کشور برای چالش زدایی در سیستم مربوطه، اداره بهینه و کنترل دقیق تمام بخشهای یک واحد سیاسی-فضایی، پر کردن خلأ ژئوپلیتیک کشور در مقابل نفوذ خارجی، و نیز هدایت توسعه و پیشرفت در کل نقاط کشور تشکیل می‌شوند. آنکارا نمونه بازر این پایتخت‌هاست که برای کنترل بهینه و دقیق جغرافیای سیاسی ترکیه و هدایت توسعه و پیشرفت و توجه کامل دولت به مناطق داخلی انتخاب شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ . The Head-Link Capitals
۲ . Forward Capitals

نتیجه‌گیری

بدون تردید، هر وقت دولتی پایتخت خود را فاقد کارایی لازم در جهت اداره امور کشور و تأمین بقای آن دیده، اقدام به انتقال آن نموده است. بنابراین، پایتخت به عنوان کانون اقتدار و بقای دولت، باید از یک مکان مناسبی برخوردار باشد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که هیچ وقت مکان یک پایتخت تنها به خاطر یک دلیل اهمیت خود را در نزد دولت از دست نداده است. به عبارتی در تغییر مکان پایتخت عوامل مختلفی دخالت دارند. در این مقاله، ۱۳ دلیل در مورد انتقال مکان پایتخت‌ها ارائه شده است. جالب این است که همه این عوامل به نحوی با هم در ارتباطند. طبق شکل (۲)، در میان دلایل ذکر شده برای گزینش مکان پایتخت‌ها، با توجه به موقعیت جغرافیایی پایتخت در داخل کشور، بغیر از دو مورد تفاوت دیگری وجود ندارد. در حقیقت همه دلایل ذکر شده در انتقال یک پایتخت می‌تواند تأثیرگذار باشد. آنچه مشهود است، قابلیت هسته‌ای بودن مکان پایتخت در بیشتر انتخاب‌هایی است که صورت گرفته است. البته هسته‌ای بودن مکان پایتخت تنها به این معنی نیست که این مکان به صورت فیزیکی شامل همه ویژگی‌های یک منطقه هسته‌ای باشد. در واقع، انتخاب مکان پایتخت به هر دلیلی که باشد، باز بیشتر آنها بر جنبه هسته‌ای بودن مکان پایتخت دلالت دارند. یعنی هر پایتختی به نوعی یک منطقه هسته‌ای بشمار می‌رود.



شکل (۲): عوامل اصلی تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی و جایجایی پایتختها (ترسیم از نویسندگان)

ضمناً، در هر کشوری، بویژه در فرایند اولیه تشکیل دولت در کشورهای چند ملیتی، حکومت حاکم سعی دارد تا پایتخت را در نزدیکی گروه ملی مسلط (حکومت) مکان‌گزینی نماید. در واقع، حکومت برای بقای دولت و ملت خود نیاز به پشتیبانی ملی دارد. همچنین، در یک کشور، برای انتخاب مکان یک پایتخت با موقعیت حاشیه‌ای، عامل دسترسی به راههای ارتباطی و مواصلاتی داخلی تأثیر چندانی ندارد. در چنین موقعیتی پایتخت بیشتر به دلایل حضور در صحنه منطقه‌ای و جهانی و نیز به خاطر پر کردن خلأ ژئوپلیتیک کشور در مقابل نفوذ خارجی انجام می‌پذیرد.

به طور کلی، پایتخت به هر دلیلی که انتقال یابد، هدف نهایی آن تنظیم و مدیریت بهینه سیستم جغرافیای سیاسی کشور و سازمان سیاسی فضا است. البته اهداف ژئوپلیتیک نیز در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بنابراین، پایتخت منتقل می‌شود تا بقای دولت و ملت فراهم آید. و هویت ملی تازه‌ای با قدرت ایجاد وحدت و انسجام ملی شکل گیرد. انتخاب آنکارا به عنوان پایتخت ترکیه نیز کاملاً با موارد ذکر شده مطابقت دارد. آنکارا انتخاب شد، چون از پشتیبانی ملی برخوردار بود، و با توجه به موقعیت محوری آن در بین مناطق حساس پیرامونی در چهارچوب جغرافیای سیاسی کشور، سازمان سیاسی فضا و شبکه شهری، می‌توانست در برقراری تعادل ژئوپلیتیک ترکیه موفق باشد. بنابراین، بلحاظ بار ژئوپلیتیک و استراتژیک، به عنوان یگانه منطقه هسته‌ای ترکیه بحساب می‌آمد. به طور کلی، با توجه به مسائل جغرافیای سیاسی ترکیه (به ویژه مسئله کردها) و مهمترین مسئله ژئوپلیتیک روز آن (پیوستگی فضایی - قومی - زبانی کردهای ترکیه با شمال عراق) انتخاب آنکارا به عنوان مرکز هدایت و سازماندهی جغرافیای سیاسی این کشور، شاید تنها راه بقای دولت جدید ترکیه و برقراری اتحاد و انسجام ملی در آن بوده است. در همین راستا، با توجه به ارزش‌های ژئوپلیتیک خاص مکان جغرافیایی آنکارا و شرایط ویژه جغرافیای سیاسی ترکیه جدید، در مجموع، انتخاب این شهر به عنوان پایتخت ترکیه حاصل عوامل خاستگاه قومی حکومت، موقعیت استراتژیک و دفاعی آنکارا، موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی آن، دسترسی به راههای ارتباطی و مواصلاتی داخلی از طریق آنکارا، مسائل امنیتی پیرامونی ترکیه، ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی، ارتباط خارجی، تغییر در رویکردها و سیاست‌های حکومت و به تبع همه این عوامل، قابلیت هسته‌ای مکان جغرافیایی آنکارا بوده است.

این وضعیت در مورد مکان‌گزینی پایتخت ایران معاصر در کانون جغرافیایی آن، یعنی تهران نیز صدق می‌کند. با این حال، با توجه به مشکلات ویژه تهران (خصوصاً مشکل مدیریت بهینه شهر پایتخت) به عنوان پایتخت ایران، که گاهی موضوع انتقال پایتخت ایران به یک نقطه دیگر را در نزد دولتمردان ایرانی مطرح می‌سازد، موضوع فوق از ماهیت متفاوتی برخوردار است. در واقع، دلیل اصلی مشکلات تهران در سیستم متمرکز اداری - اقتصادی - فرهنگی حاکم بر جامعه ایرانی

نهفته است. بنابراین، با توجه به بوجود این سیستم متمرکز، انتقال پایتخت ایران، انتقال تهران به یک نقطه دیگر است. در همین راستا، شاید بهترین انتخاب برای سیستم متمرکز ایرانی، استفاده از سیستم پایتخت‌های منظومه‌ای^۱ باشد. پایتخت‌های منظومه‌ای، شبکه‌ای از چند پایتخت با محوریت یک پایتخت مرکز - شبکه‌ای است. در کشور ایران، در حال حاضر با توجه به نظام حکومتی متمرکز حاکم بر کشور و تنوع جغرافیایی قومی - زبانی - فرهنگی - اقتصادی آن، بهترین نوع پایتخت برای اداره آن استفاده از همین سیستم پایتخت‌های منظومه‌ای است. شاید بزرگترین عیب پایتخت‌های منظومه‌ای به نوعی تمرکزگرایی آن تحت سیطره پایتخت مرکز - شبکه‌ای باشد. البته این مسئله می‌تواند با استفاده از تظارت مستقیم پایتخت محوری به وسیله پایتخت‌های منظومه‌ای در مناطق پیرامونی و جغرافیاهای مختلف زبانی - قومی - فرهنگی - اقتصادی کشور، از طریق حفظ شرایط جغرافیایی موجود، در جهت حل و فصل هر گونه شرایط گریز از مرکز و تجزیه‌طلبی در مناطق پیرامونی کشور حل شود.

بر این اساس، با توجه به اینکه هر منطقه‌ای از کشور به خاطر ویژگی‌های جغرافیایی ذکر شده از وزن ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در جغرافیای سیاسی کشور و حتی در بعد منطقه‌ای برخوردار است، بنابراین شهرهای تبریز، مشهد و شیراز می‌توانند به عنوان اقمار اصلی این شبکه منظومه‌ای عمل نمایند. در واقع، تبریز می‌تواند بازوی اجرائی دولت در منطقه شمال غرب و غرب کشور باشد. مشهد در شرق و شمال شرق و تا حدی در جنوب شرق و شیراز نیز در جنوب غرب کشور، جنوب و جنوب شرقی آن به عنوان بازوان اجرائی دولت با محوریت تهران انجام وظیفه نمایند. این سیستم می‌تواند به نحو مطلوبی شبکه ارتباطی شعاعی کشور به مرکزیت تهران را به یک شبکه ارتباطی شعاعی چند محوری با مرکزیت شهرهای ذکر شده تبدیل نماید. بنابراین دولت می‌تواند بخشی از فعالیت‌های تهران را بین این سه نقطه مهم به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک تقسیم نماید. این کار، هم تهران را به‌عنوان پایتخت اصلی کشور از گیر و دار ترافیک سنگین مشکلات اداری کشور دور خواهد نمود و هم قدرت کنترل و موفقیت عمل دولت را بالا خواهد برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. این اصطلاح برای اولین بار توسط علی ولی‌قلی‌زاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان "تبیین مهمترین عوامل تأثیرگذار در انتقال پایتخت‌ها در ایران" مطرح شده است.

منابع

- ۱) بهفروز، فاطمه. (۱۳۸۰). زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲) پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۷۱). مکان مطلوب برای مرکز سیاسی جدید از نظر جغرافیا. رساله دوره دکتری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی دوره عالی تحقیقات.
- ۳) جردن، تری و راونتری، لستر. (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی. ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۴) حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.
- ۵) فرید، یدالله. (۱۳۸۲). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- ۶) مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیایی.
- ۷) میرحیدر، دره. (۱۳۸۱). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: سمت.
- ۸) میرحیدر، دره. (۱۳۸۴). سیاست و محیط زیست: مورد آلودگی شهر تهران. مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۹) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- ۱۰) ولی‌قلی‌زاده، علی (۱۳۸۷)؛ تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱) Cohen, Saul Bernard. (۱۹۶۴). *Geography and Politics in A Divided World*, London, Methuen.
- ۱۲) Dikshit, Ramesh Dutta; (۱۹۹۵). "Political Geography: the Discipline and Its Dimension ". New Delhi, Tata McGraw – Hill Publishing Company Limited.
- ۱۳) Glassner, Martine; (۲۰۰۴). "Political Geography". London, John Wiley & Sons, Jnc.
- ۱۴) Özey, Ramazan; (۱۹۹۶) "۲۱. *Asrın Ufkunda Türkiye*", İstanbul, Marifet Yayınları.
- ۱۵) Pounds, Norman J. G. (۱۹۶۳). "Political Geography", New York: McGraw Hill Book Co. INC.
- ۱۶) Schatz, Edward; (۲۰۰۳). "When Capital Cities Move: The Political Geography of Nation and State" kellogg.nd.edu/publications/workingpapers/WPS/۳۰۳.pdf, February ۲۰۰۳.

- ۱۷) Taylor, Peter J. (۱۹۸۹). “Political Geography: world economy, nation-state, and locality”, New York, Longman Scintfic & Technical, U. K.
- ۱۸) Weigert, Hans. W & et al; “Principles of Political Geography”. New York: APPLETON-CENTURY-CROFTS, Inc.
- ۱۹) Tankut, Gönül, ۱۹۹۰ “Bir Başkent in İmarı, Ankara (۱۹۲۹-۱۹۳۹), , Ankara, ODTÜ Yayını.
- ۲۰) Aktaran, Hamid Sadi Selen; “Ankara’nın Başkent Oluşu,” Atatürk Konferansları, TTK Yayınları, Ankara: ۱۹۶۴, cilt I, s. ۹۵-۱۰۲.
- ۲۱) Muir, R., ۱۹۷۵, Modern Political Geography, The Macmillan Press LTD, London.
- ۲۲) Şimşir, Bilal N, Ankara’nın başkent oluşu,
a. <http://www.atam.gov.tr/index.php?Page=DergiIcerik&IcerikNo=۶۲۰>, Mart ۱۹۹۱.
- ۲۳) Akyol, Ahmet, Ankara nasıl başkent oldu?
a. www.ahmetakyol.net/index.php?option=com_content&task=view&id=۷۶۳&Itemid=۴۷ - ۴۶k -, ۱۲ Ekim ۲۰۰۷.
- ۲۴) Ankara’nın başkent oluşu hakkında genel açıklama,
a. <http://www.dersimiz.com/belirligun/bilgi.asp?id=۱۲۶>, ۱۹ Kasım ۲۰۰۷.
- ۲۵) Ankara’nın başkent oluşu,
۲۶) <http://www.gulnar.gov.tr/dosyalar/ataturk/siyasal.doc>
- ۲۷) Gül’ün başkent mesajı, “Ankara ۸۴ yıldır başkent”,
a. <http://www.cafesiyaset.com/haber/۲۰۰۷۱۰۱۳/Ankara-۸۴-yildir-Baskent.php#>
b. <http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/۰/۰۶/OttoöanEmpireI۱۶۸۳.org>